



هواداران محمد رضا شجریان  
شب سختی را گذراندند

# شام تاریک ما را سحر کن

پیش، پدر دیوان حافظی به من هدیه دادند که صفحه نخست آن، چنین نوشتند: فقط حافظ تو را به بلندای سخن عشق می برد...» همین جملات کوتاه کافی بود تا بار دیگر دلهره و نگرانی بر جان و دل دوستداران و عاشقان خسرو آواز ایران بنشیند و پس از آن حواشی و شایعه‌هایی که به سرعت در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی دست

عصر  
فرهنگ  
نداسیجانی  
خبرنگار

همایون تفال به فال حافظ زده است؛ «در راه عشق مرحله قرب و بعد نیست می بینمت عیان و دعا می فرستم...» و در صفحه شخصی خود (اینستاگرام) شرح حال این شعر را این گونه بیان می کند: «مهربانان گرامی، سال ها

به دست چرخید! همه نگران بودند! استاد آواز ایران در بیمارستان «جم» بستری است و خبرهای تلخ به گوش می رسد. زمان به سرعت می گذرد؛ نیمه شب است و مقابل بیمارستان مملو از جمعیت؛ آرام آرام «مرغ سحر» نجوا می شود... «نوبهار است گل به بار است؛ ابر چشمم ژاله بار است... این قفس چون دلم تنگ و تار است...» و مردم در انتظار همایون اند تا خبرخوان مژده‌ای خوش باشد...

محمد رضا شجریان گرفتار همان بیماری قبلی شده و حال نفس‌های گرمش که دل عاشقانش را دلگرم و دلگرم‌تر می کند در اتاق سی سی یو احساس می شود... چشم امید مردم ایران ناخوش احوال است از شب گذشته تا دقایقی که گذشت مردم در انتظار بهبود و سلامت محمد رضا شجریان هستند و این دل‌نگرانی و دلهره در چهره دوستان و یاران قدیمی‌اش هم دیده می شود، شهرام ناظری به عیادت او می رود و حال خوش رفیق و شفیق خود را این گونه بیان می کند: «در این روزهایی که جامعه مملو از خبرهای تلخ و ناگوار است؛ شنیدن احوال خوب و مساعد آقای شجریان حالم را بسیار خوب کرد و از این بابت بسیار خوشحال هستم.»

## اما شب گذشته بر همایون و مردم چه گذشت...

از ساعت‌ها قبل صحبت‌های دکتر حسن عباسی پزشک خانوادگی شجریان در خبرگزاری‌ها مخابره می شود و در تمام این اخبار تنها یک جمله مشترک منتشر شده: «حال آقای شجریان خوب است و جای نگرانی نیست...» اما عطش این بی‌اعتمادی فروکش نکرده و تجمع مردم در مقابل بیمارستان، تردد وسایل نقلیه و خانواده‌های بیماران بستری شده را دچار مشکل کرده است. ماشین راهنمایی و رانندگی هم دیده می شود و تلاش می کنند مسیر رفت و آمد ماشین‌ها را هدایت کنند...

مردم همچنان در انتظار همایون هستند و او در صفحه اینستاگرامش می نویسد: «عزیزان خواهشمندم به شایعات توجه نفرمایید و به آنها دامن نزنید. پدر به خاطر مشکلات ریوی که ناشی از بیماری

قبلشون هست و در دو هفته اخیر کمی ادامه دار شده است تحت مراقبت و رسیدگی‌های ویژه هستند و وضعیت‌شان از دیروز بهتر است. خواهشمندم خبر صحیح را فقط و فقط از طریق صفحه اینجانب دنبال کنید» اما تأثیری در افکار عمومی ندارد؛ این بار مسئولان بیمارستان از مردم می خواهند تا متفرق شوند، پزشکان استاد با مردم سخن می گویند: «... فشار و ضربان مناسب است تنفس برای خودشان است؛ اما دستگاه به تنفس ایشان کمک می کند. ضمن اینکه برای اینکه بتوانند دستگاه

برای شما توضیح می دهم چون شما را از خانواده خودمان می دانم.» و ادامه داد: «به دلیل همان مسائل رادیوتراپی و تومورهای سر، مغز دچار تورم می شد و پزشکان مجبور بودند کورتون تزریق کنند. مراحل درمان بسیار پیچیده بود. بنده اصرار کردم در صورتی که ایشان در عذاب و درد نباشد، حتی اگر یک روز هم بیشتر بتوانند به حیات‌شان ادامه دهند، این کار را انجام دهند؛ به همین خاطر در معده پدر «پیگ» کار گذاشتند و از آن طریق غذا را وارد بدن می کردند. همین باعث شد که ایشان دوباره احیا شود؛ مقدمات را



را تحمل کنند، مجبور شدیم تا به ایشان داروی آرام بخش بزنیم.» ساعت از نیمه هم گذشته، افسانه شجریان به عنوان همراه استاد در بیمارستان حاضر شده و به میان مردم آمد و هم صحبت‌های پزشکان را تأیید می کند... و اما همایون آمد... فرزند خلف استاد میراث دار منش و اخلاق پدر هم هست و صمیمانه با مردم سرزمینش و دوستداران استاد سخن می گوید: «شما را از خانواده خود می دانم» بیان همین جمله کوتاه کافی است تا آرامشی هرچند کوتاه بر دل نگران مردم بنشیند: «از سه چهار سال قبل پدر در امریکا مجبور به رادیوتراپی شدند و این مسأله برای ایشان عوارض سوء داشت که شرح آن مفصل است و بعداً در رسانه‌ها اعلام خواهم کرد. من در آن زمان با مشکلات زیاد ویزای امریکا گرفتم و وقتی به آن کشور رسیدم دکترها ایشان را جواب کرده بودند و می گفتند پدر یک هفته دیگر بیشتر زنده نخواهند ماند. (ایشان یک هفته بود که هیچ آب و غذایی نخورده بود. این جزئیات را

فراهم کردیم و با وجود مشکلات و شرایط جسمانی، ایشان را به ایران آوردیم. از آن روز سه سال است که سایه ایشان بر سر ما است. شایعات زیادی در این بین رقم می خورد که صحت نداشت. گاهی مجبور بودیم به خاطر پیگ به بیمارستان بیاییم و ایشان تحت نظارت باشند. در مرحله‌ای هم پدر همکاری کردند و فیزیوتراپی شدند و در این میان هوشیاری‌شان بسیار عالی بود؛ یعنی اگر چه از لحاظ جسمانی و حرکتی مشکل داشتند، اما از نظر ذهنی کاملاً در شرایط خوبی بودند. فقط چون از شرایطشان ناراضی بودند افسردگی سراغشان آمده بود.» او در ادامه می گوید: «در چند روز گذشته در ریه ایشان عفونتی شکل گرفته بود که دو هفته پیش حل شد و ایشان را به خانه بازگرداندیم. چند روز در خانه بودند و دوباره این مشکل پیش آمد و تجمع خلط در ریه سبب شد تا به بیمارستان بیاییم. هم‌اکنون حال ایشان از دو شب قبل بهتر است و امیدوار هستیم که از این مرحله هم عبور کنیم.»